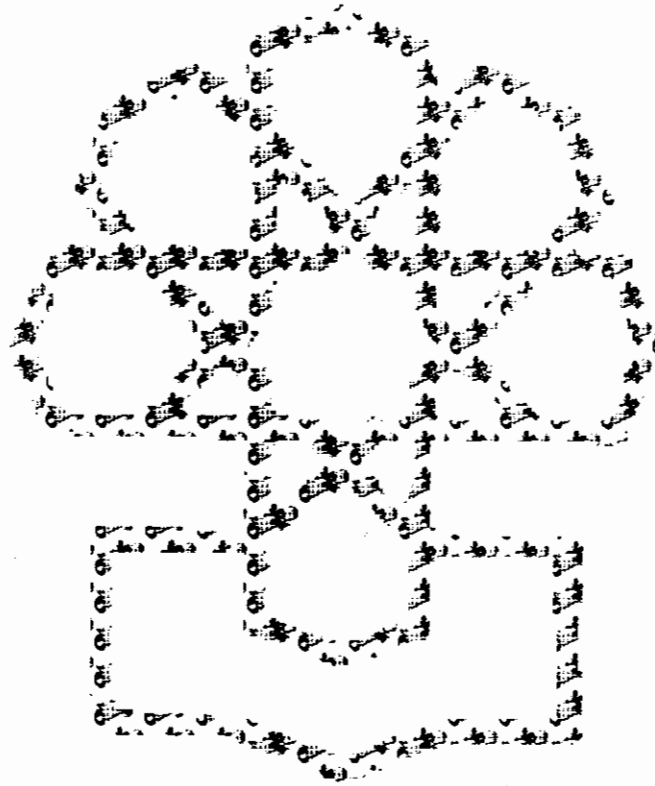




۳۳۷۵  
X

اصلاح ساختار نظام مالیاتی  
گزارش نشست چهارم - شورای  
تخصصی مالیات

(۱۳۷۷/۳/۲۳)



معاونت پژوهشی  
مهر ۱۳۷۷

پیااده سازی از: گروه خدمات ویژه اطلاع رسانی

کد گزارش: ۱۷۰۳۳۷۵

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی  
شماره: ۹۴۷۱  
تاریخ: ۷۷/۸/۱۰

اصلاح ساختار نظام مالیاتی گزارش نشست چهارم - شورای تخصصی مالیات  
(۱۳۷۷/۳/۲۳)

کد گزارش: ۱۷۰۳۳۷۵

مقدمه

از نظر اقتصاددانان با تخصص مالیه عمومی، مالیات‌ها قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع درآمد دولت، ابزاری کارآمد جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی (توزیعی و مالی) و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی است. در کشورهایی مانند کشور ما که برای تأمین هزینه‌های دولت، بیشتر متکی به درآمدهای فروش منابع طبیعی (یا تک محصولی) هستند، توجه بیشتر به نقش مالیات‌ها در بودجه دولت و انجام اقداماتی به منظور افزایش سهم این نوع درآمدها در کل درآمدهای دولت ضرورت دارد. از سوی دیگر به نظر نمی‌رسد نظام مالیاتی ما در شرایط کنونی دارای توان ایجاد درآمدی باشد که بتواند تا حدی جانشین درآمدهای نفتی گردد؛ مگر با بررسی‌های مستمر، منظم، گسترده و فراگیر برای از میان برداشتن نارسایی‌های نظام مالیاتی در دو بعد نظری و اجرایی اقدام گردد. بدین منظور مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۷ طرح اصلاح نظام مالیاتی را در دستور کار خود قرار داده است. در این راستا کمیته تخصصی مالیات چگونگی چارچوب مطالعه و تهیه گزارش‌هایی در این زمینه را بر عهده دارد. گزارش حاضر نشستی است از سلسله نشست‌های کارشناسان کمیته تخصصی مالیات در جهت اصلاح نظام مالیاتی به منظور ایجاد یک نظام مالیاتی کارآمد جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف اقتصادی و همچنین اصلاح قانون مالیات‌ها را نیز دنبال می‌نماید.

آقای لامعی: آمار فروش ماهانه شرکت‌ها و توزیع کنندگان بزرگ، چیزی نیست که بعد از اجرای کد اقتصادی متداول شده باشد. از سال ۱۳۴۵ که اولین قانون مالیات تدوین شد، پیش‌بینی شد که میزان مالیاتی، زمانی که پرونده‌های شرکت‌ها را رسیدگی می‌کردند، صورت معاملات را از مؤدی بگیرند و زمانی که صورت معاملات را می‌گرفتند، به اداره اطلاعات و خدمات مالیاتی ارائه می‌کردند که آنها هم روی این اطلاعات کارشناسی و طبقه‌بندی می‌کردند و به شهرستان‌های مختلف ارسال می‌شد. آنجا هم این اداره اطلاعات و خدمات مالیاتی واحدهایی داشت که اطلاعات را به ترتیب حوزه‌های مالیاتی توزیع می‌کرد و همین بهره‌برداری که ما می‌خواهیم از کامپیوتر داشته باشیم، آن زمان به صورت دستی استفاده می‌شد و این کار چیزی نیست که جدید باشد. اما اصل صحبت بنده اجبار و الزام، مؤسسات است (همان‌طور که آقای قدس فرمودند که مثلاً یک شرکت را مکلف می‌کنند کار ۱۲ دستگاه اجرایی دیگر را هم انجام دهد. فرضاً مالیات شهرداری، یک درصد آموزش، وزارت صنایع، جاهای مختلف که پول‌هایی را در قانون بودجه برای آن پیش‌بینی کرده‌اند، همه را به عهده شرکت گذاشته‌اند که باید بگیرد و بدهد و یک جا مأمور سازمان‌ها هم مراجعه می‌کنند به شرکت‌ها یعنی ما یک آش درست کرده‌ایم و به جای این که مؤسسات تولیدی خودمان را

به جای این که بنشینند خلاقیت به خرج بدهند و در تولید و کارشان موفق باشند، به یک سری سازمان‌های مختلف درگیر کردیم. عرض بنده این است که اصلاً قانون اجازه می‌دهد که تشکیلات دارایی کسی دیگر را ملزم کند که کار او را انجام دهد. طبق قانون مدنی یا قانون اساسی که در مملکت وجود دارد، آیا می‌شود کسی را از انجام معامله‌ای ممنوع کرد؟

به نظر بنده این مسائل را باید روشن کنیم که آیا تکلیف اشخاص ثالث را هم باید از این پدیده خواستار باشیم یا خیر؟

**خانم طباطبایی:** مطلبی هم که آقای دکتر پڑویان فرمودند، که چرا ما این کار را زمانی که شناسنامه‌ها را تعویض کردیم، انجام ندادیم و سریانی برای این کار ندادیم که همه افراد دارای کد دائمی باشند که آن زمان می‌توانیم ملزم کنیم که برای هر کار کوچکی افراد ملزم شوند که شماره خودشان را همراه داشته باشند و فکر این ماجرا به ۱۰ یا ۱۲ سال پیش برمی‌گردد، چرا نباید این کار ساده را انجام دهند، که خیلی از مشکلات می‌توانست حل شود و چرا ما نیایم از کشورهایی که در این زمینه واقعاً به طرز بهینه عمل می‌کنند، نکاتی را بگیریم و استفاده کنیم.

به هر حال ما باید چند ایراد اساسی را ارائه کنیم و باید این مطالب آماده باشد.

**آقای یآوری:** مطلبی که می‌فرمایید اینها را با هم چک می‌کنند، یک راه کار برای شرکت‌ها وجود دارد. مثلاً آنهایی که لوازم خانگی تولید می‌کنند، لاستیک تولید می‌کنند و... اینها می‌توانند با یک سری قراردادهای فروش امانی که منعقد می‌کنند با بنده که واسطه توزیع کننده هستم یک قرارداد فروش امانی می‌بندم و مشتری را پیدا می‌کنم، درست است که معامله با بنده است. اما در دفاتر شرکت به نام خریدار نهایی است. یعنی با مکانیزم قرارداد فروش امانی، این وسط بنده در تور وزارت دارایی نمی‌افتم و این چیزی است که در حقوق مدنی ما وجود دارد و به رسمیت شناخته شده و کسی نمی‌تواند بنده را از انعقاد این قرارداد منع کند و الان صدها مورد از این قراردادها منعقد می‌کنند و کد هم به وزارت دارایی نمی‌دهند.

**آقای لامعی:** نکته‌ای که مدنظر ایشان است، فرض کنیم فردی که به شرکتی مراجعه می‌کند و از شرکت تولیدکننده خرید می‌کند، او فردی است که نه محل و نه جواز کسب دارد و مراجعه می‌کند و کالا را می‌خرد و اینها را در دست خود قرار می‌دهد و توزیع می‌کند (یا به عبارت دیگر واسطه‌های پنهان) از جمله مطالبی که الزام شرکت‌های تولید کننده و وارد کننده است؛ حذف این اشخاص بوده است. حالا این که قانون جایی برای آن مشخص نکرده و ما هم ملزم نکنیم، به ساختار اقتصادی کشور برمی‌گردد و اگر بگوییم هر چیزی که قانون ملزم نکرده به لحاظ تئوری‌های اقتصادی هم نباید چنین چیزی صورت بگیرد، با توجه به ساختار اقتصاد ما جور در نمی‌آید ما باید از یک نقطه شروع کنیم. اینجا این طور نیست که به هر شرکتی بگوییم انصافاً و اخلاقاً این کار را انجام دهد و به تعبیری توصیه اخلاقی کنیم، توصیه اخلاقی چاره‌ساز نیست، جایی ما باید اجبار را صورت بدهیم، از جمله اجبارها این که آقای تولیدکننده تو به چه کسی می‌فروشی؟ این یک توجیه منطقی دارد که ما مشخص کنیم که این کالاهایی که وارد کشور می‌شود یا تولید می‌شود، کجا می‌رود. به یک طریقی باید سیستم را کنترل کنیم.

خانم طباطبایی: تصور نمی‌کنم که مشکلی باشد، که ما بگوییم آقای فروشنده تو فقط منزه هستی به کسانی بفروشی که کد اقتصادی داشته باشند. این وقتی قانونی شود ملزم هستند که قانون را اجرا کنند و یک مقوله‌ای نیست که در تضاد با قانون اساسی باشد و چون می‌گوییم این مسئله برای درآمد دولت است و به نفع مملکت است و درست نیست که تو به کسی بفروشی که کد اقتصادی ندارد و ما را بعد در کارایی سیستم مالیاتی دچار مشکل کند. بنده تصور نمی‌کنم که این مسئله آنچنان مشکل‌زا باشد.

آقای...: در رابطه با این که شما فرمودید کد اقتصادی انگیزه‌ای داشته باشد مانند تخفیف و... نکته‌ای که ایشان مطرح کردند، این است که مانند یک کارت بازرگانی است. کارت بازرگانی که به یک صادرکننده وارد کننده می‌دهیم، می‌تواند کار کند. یعنی به واسطه مجوزی از طرف دولت و یک مشروعیتی به این فرد است که با آن کار کند. به عبارتی کد اقتصادی هم چنین حالتی پیدا می‌کند و مشروعیت به افرادی است که کارگزار اقتصادی هستند و در کشور کار می‌کنند. می‌شود در همین قالب یک سری موارد انگیزه‌ای هم ایجاد کرد که دقیقاً این طور باشد شما از ۱۰ درصد مالیات معاف هستید و...

آقای قدس: ضمن این که بنده زحمات شما را تقدیر می‌کنم و تا اینجا پیش رفته‌اید و اطلاعات خوبی جمع‌آوری کرده‌اید، بحث‌ها و صحبت‌هایی که ما داریم، برای پویاتر شدن و دادن اطلاعات بیشتر به شما است. شاید آقای یزدی زاده و همکاران ایشان هم به فکرشان برسند، اما در یک یا دو ساعتی که شما صحبت داشتید این مجموعه اطلاعات در ذهن آنها آمده که خدمت شما دادند و احتمالاً آنها هم برخورد کرده‌اند یا خواهند کرد. اما قبل از این که آن پیشنهادی را که سرکار خانم فرمودید و آقای یآوری اشاره فرمودند ادامه بدهیم، این طرف قضیه را باز کنیم.

از کجا این مسئله به وجود می‌آید؟ ریشه‌اش چیست؟ به عنوان مثال یک شرکت تولیدی موادی را تولید می‌کند و سفارش از خارج هم دارد و به دلیلی این سفارش نرسید و این شرکت ناچار است که خط تولید را حرکت بدهد. فرضاً روزی ۱۰ میلیون تومان هم تولید می‌کند. موادی نیاز دارد که قیمت آن فرضاً ۱۰۰۰ تومان است ولی در بازار ۲۰۰۰ تومان است. می‌گوید من نه مدرک می‌دهم و نه رسید می‌دهم و باید چک در وجه حامل پول به صورت نقد یا با چک بانکی باشد و همه اینها را می‌شناسند، حتی خود مسئولان اجرایی هم این افراد را می‌شناسند و آن شرکت هم به خاطر این که تولید ۱۰ میلیون تومان عقب نیفتد و یک مقدار هم بازیافت هزینه داشته باشد، ناچار است که ۵۰۰ هزار تومان اضافه بدهد و این کار را انجام دهد. این واقعیت قضیه است. قصد سوءاستفاده هم نداشته و روی اعتماد جلو می‌رود. بعد از مدتی ممیز مالیاتی یا حسابرس گزارش می‌دهد که این شرکت خلاف کرده و خدمات مالیاتی و واحدهای مربوطه می‌آیند و آن قید و بندها و جرایم را برایش در نظر می‌گیرند. در صورتی که واقعیت این است که به خاطر لنگ بودن تولید این کار صورت گرفته است.

بار دیگر برای این که مشکلی برایش پیش نیاید پیش همان شخص یا شرکت می‌رود و می‌گوید آقا کد اقتصادی به تو بدهم، قیمت آن ۲۲۰۰ تومان می‌شود، اینجا یک افزایش هزینه به خاطر همین اجبار را ما به تولیدکننده تحمیل کرده‌ایم و ناچار است پول اضافه بدهد یا قیمت تمام شده و درآمد حاصل سود کمتری به سهامداران حاصل می‌شود یا این که ناچار می‌شود این مجموعه اضافه قیمت را روی قیمت تمام شده

بیاورد، از مراجع ذی ربط افزایش قیمت بگیرد که این به مصرف کننده تحمیل می شود. مطلب دیگری هم که در رابطه با قراردادها بود، در این مسئله هم باید روی اعتماد پیش برویم، مدام که نمی خواهیم میج یکدیگر را بگیریم، ما نشسته ایم که مجموعه ای در مملکت را حرکت دهیم. حالا فرقی نمی کند، که بخش خصوصی، دولتی یا نظارتی و... هستیم.

به عنوان مثال کسی که قصد وارد کردن یک کمپرسور یا یک موتور را دارد و ۵۰ نفر مسافر از قشم آمده اند و شناسنامه ها را گرفته و یک قطعه ای آورده و یک پولی هم به این ۵۰ نفر داده است. بنابراین از اینجا است که کار خراب شروع می شود و این کار در جامعه بخش می شود و می رسد به دست واسطه ها و اینها در مسیر تولید قرار می گیرد. آنجا باید جنوی آن گرفته شود و شرکت تولیدی که به این تولید نیاز دارد، نقدینگی هم ندارد، می گوید که دولت اجازه نمی دهد و می گوید باید این تولید را از داخل تهیه کنی. وزارت صنایع هم مجوز نمی دهد. تولید داخلی هم به آن اندازه نیست و نمونه هایی داریم، کارخانجاتی که منحصر به فرد هستند، مانند باهنر. بنده یادم است که زمانی چند تا از کوره هایش خوابید و دولت هم اجازه نداده بود و کارخانجاتی هم که مواد و لوله های مسی می آوردند با مشکل روبه رو شدند. با این افراد (که معدود هستند) که می گویند ما داریم، فرضاً ۱۰۰۰ تن قرارداد می بندد و می گوید؛ پول را هم باید نقد بدهی و این قرارداد بسته می شود و مبادله صورت می گیرد و این حالتی است که در کد اقتصادی جا نمی گیرد. حالا در وزارت دارایی کسانی که نظارت می کنند و می خواهند مالیات صحیح به خزانه دولت برسانند چه باید بکنند؟ سراغ طرف که نباید بروند و جریمه کنند. اصلاحات را پی گیرند و می گویند این قدر از طریق کد اقتصادی داده ام. آمارهایی که شرکت ها بیش از یک میلیون ریال به حوزه های مالیاتی می دهند و می گوید این خریدها و این فروش ها را داشته ام، در قبال آن این قدر مواد اولیه گرفته ام. وزارت دارایی سراغ فروشنده می رود و اطلاعاتی می گیرند و می گویند شما این مقدار فروش به فلان شرکت داشتی و یک درصدی مالیات مشخص می کنند و باید بپردازد. اینها مسائلی است که راه دارد و می توان اصلاح کرد منتهی از دید سالم، زمانی که حرکت کردیم درست است اما به محض این که خلاف کرده اید و باید جریمه بدهید که نمی شود همه به دنبال یک راه فرار هستند که درگیر این مسئله نشوند.

**خانم طباطبایی:** بنده جمع بندی از صحبت های آقای قدس انجام می دهم. در کل منظور ایشان این است که اقتصادی که بازار سیاه و قسمت مخفی اقتصاد تا این حد زیاد است به راحتی کارهای اجرایی در آن انجام نمی شود. تا زمانی که ما در جهت اصلاح این ساختار ناسالم پیش نرویم، خیلی از این روش ها هر چقدر در تئوری قشنگ باشند عملی نیست. تا زمانی که شما به این صورت بازار سیاه به این وسعت در اقتصاد داشته باشید آن چک های متقابل انجام پذیر نیست. در تئوری شاید شما بتوانید کاری انجام دهید اما در چنین اقتصادی این نقشه کارایی ندارد.

**آقای معینی:** صحبت که باز می شود بنده باید در ادامه مطلب می گویم، که به خاطر ضرورت نقایصی که گفته شده است، در کشورهای خارجی از سیستم ارزش افزوده به سیستم کد اقتصادی رسیده اند. در ایران می خواهند از کد اقتصادی به ارزش افزوده برسند، (این یکی از مسائل ماست). نکته بعدی این است که سیستمی که در اینجا قصد اجرای آن را دارند در خارج از کشور موجود نمی باشد (و البته براساس

صحبت‌های آقای یزدی‌زاده) علت آن هم دو مورد است، یکی فرهنگ بالای فرار مالیاتی است و انگیزه زیاد برای فرار مالیات. دوم ناکارآمد بودن سیستم بانکی، نکاتی است که در اینجا فرد نرزمی به استفاده از کارت اعتباری و چک ندارد و با پول کار می‌کند. اما در خارج کوچک‌ترین نیازهایش را با کارت اعتباری و کد... انجام می‌دهد. بنده تصور می‌کنم اینها ناچار شدند که از راه دیگری وارد شوند.

صحیح‌ترین مالیاتی که در کشورها برگزار می‌شود، مالیات بر ارزش افزوده است و با یک نرخ ثابت مشخص و بدون برخورد مؤدی با ممیز و یک سری ناکارایی‌هایی که در سیستم وجود دارد از بین می‌برد و دریافتی مالیاتی را هم بالا برده تجربه دیگر کشورهایی که اجرا کرده‌اند. نکته‌ای که موجود است، اگر امکان داشته باشد. اینها انگویی مانند کشور اندونزی را پیش رو قرار داده‌اند و تحت تأثیر شدید آنجا هستند (براساس اظهارات ایشان) اندونزی همچنین برنامه‌ای را اجرا کرده است، به همین شدت که در آنجا موفق شدند به نحوی که بعد از ۴ سال از ۱۸ درصد از سهم مالیات در دریافتی‌های دولت به ۹۵ درصد رسید. حالا بد نیست که به لحاظ زمانی ما مشکل بررسی جامعه را داریم، چون بتوان کل اشکالات سیستم را بررسی کرد. چون واقعاً مورد مکتوبی نیست. بنده به ایشان گفتم چارت کاری را به ما بدهید خواه ناخواه وقتی برنامه‌ای بخواهد اجرا شود ابتدا روی کاغذ پیدا می‌شود که از فلان نقطه شروع می‌کنیم و به فلان نقطه می‌رسیم.

ایشان چنین چیزی ارائه نداد. فقط براساس داده‌های خودمان و اطلاعات دیگری که از منابع جمع‌آوری کردیم اظهار کردیم، و اگر چارتی باشد که در آن گروه‌های کار و گلوگاه‌های کار مشخص شود، بهتر خواهد بود و صحبت‌ها دو پهلو بود، از یک طرف احساس می‌شد که این کار اجرا می‌شود و از طرف دیگر احساس می‌شد که در روی ورقه است و قابلیت اجرا پیدا نکرده است. پیشنهادی که بنده دارم این که ما بتوانیم با چند نفر از میزبان خبره و با چند شرکت صحبت کنیم و اشکالات عملی کار را از طریق اینها در بیاوریم نه از وزارتخانه و بعد بر اساس مطالب دیگری که به نتیجه برسیم.

**خانم طباطبایی:** برای این که جلسه طولانی نشود یک فرصت پنج دقیقه‌ای به هر یک از حضار می‌دهیم که اگر نقطه نظری در نهایت دارند ارائه کنند. بنده فقط یک جمله اضافه می‌کنم. این که، ایرادی که به وزارت دارایی وارد بوده این که به قضیه اصلاح ساختار مالیاتی به صورت سیستمی نگاه نمی‌کند. اگر به صورت سیستمی نگاه می‌کرد هیچ زمان این ایرادات پیدا نمی‌شد. به جای این که این هزینه‌ها صرف این مسئله شود، این هزینه‌ها را صرف این می‌کردند که تا حدی مالیات بر مصرف را مقداری پیاده می‌کردند که بعد راه‌گشا شود برای مالیات بر ارزش افزوده، خیلی می‌توانست کارآمدتر باشد.

**آقای معینی:** بحث‌های دکتر پژویان بیشتر پیرامون این موضوع بود، که اصلاح نظام اجرایی نخست مستلزم اصلاح مجموعه نرخ‌ها و پایه هاست. یعنی ما نمی‌توانیم به نظام اجرایی پردازیم، بدون این که نرخ‌های تصاعدی را اصلاح کنیم، پایه‌های مالیاتی را اصلاح کنیم. مثال‌هایی هم که می‌زدند مربوط به کشور امریکا بود، شاید این مثال‌ها برای کشور ما سنخیت نداشته باشد، به خاطر این که نظام بانکی و پولی، بیمه، کارایی آنجا فرق می‌کند. ما در چنین ساختاری می‌خواهیم نظام مالیاتی را اصلاح کنیم. دست به نرخ‌ها و پایه‌ها هم نمی‌توانیم بزنیم اینها خیلی بحث برانگیز است.

ملاحظات توزیع خیلی جنجال برانگیز می‌شود، که اگر ما بخواهیم نرخ‌ها را یکسان کنیم. در بررسی‌ها

بیشتر به نظر می‌رسد که اگر مقایسه‌ها در رابطه با کشورهای در حال توسعه‌ای که نظام مالیاتی خوبی دارند باشد (یعنی ساختار اقتصادی مشابه ساختار اقتصادی ما دارند از نظر سیستم بیمه بانکی، پوئی) و پیشرفت‌های مالیاتی قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند، خیلی می‌تواند مفیدتر باشد و در چنین شرایطی که نظام بانکی و پولی ما همین است، بقیه بخش‌های اقتصاد هم به صورت توسعه نیافته است، ما می‌خواهیم نظام مالیاتی را تغییر دهیم.

به نظر بنده می‌توان به نتایج مطلوب‌تری رسید. سیاست‌گذار هم سخت تأکید دارد که ملاحظات تولیدی را می‌خواهد به همین صورت نگه دارد و تأکید او خیلی روی این است که نظام مالیات تصاعدی هم به این شکل باشد، که نمی‌شود چون مربوط به قضاوت‌های ارزشی سیاست‌گذار است و دست ما نیست. ما در چنین نظامی قرار داریم و می‌خواهیم سیستم مالیاتی خودمان را اصلاح کنیم و به نظر بنده خودتشخیصی مالیاتی نظام مفیدی است. بحث‌های کد اقتصادی خیلی مفید خواهد بود.

آقای قدس: بحثی که مقطعی به کد اقتصادی برخورد می‌کند، اما اگر قرار باشد که بررسی نظام مالیاتی است. جایگاه مختلفی دارد، نرخ‌های مالیاتی ای دارد، موادی که وجود دارد حالا نمی‌دانم که اینها را در چند جنبه باید پردازیم. چون به صورت خاص نمی‌توانیم ما فقط به کد اقتصادی اشاره کنیم. در ارتباط با آنها هم است. الان تشکیلات وزارت دارایی در چند ماه گذشته، انگیزه و ایده آنها اصل بر اعتماد بوده و بحث جریمه کردن را کمی کم‌رنگ کرده‌اند، بنده تصور می‌کنم که اگر براساس اعتماد این کار انجام شود، یعنی در مورد جرایم باید بحث شود، در مورد فرض‌ها هم جایگاهی که هر موقع زمانی‌اش بود و دوستان مطرح کردند اشاره خواهیم کرد.

آن هم یکی از راه‌های فرار مالیاتی است، که جامعه را آن طور عصیان‌زده می‌کند که این طرف و آن طرف بزنند که چیزی دستگیر خودشان شود. جزء یک بند (ت) ماده ۸۰ قانون ۱۳۴۵ بود که در آنجا عنوان می‌شد که سودی که بین سهامداران تقسیم می‌کنند، منهای سهامداران حقوقی که دولتی بودند و ماده ۱۳۴ بود. بقیه سهامداران را می‌گفت ۱۵ درصد یعنی ثابت بود و این کلی از مسائل را حل می‌کرد الان ما آن را نداریم و می‌گفت مازاد سودی که تقسیم نمی‌شود تا ۲۰ میلیون یک نرخ‌هایی داشت و از ۲۰ میلیون به بالا را ۵۵ درصد داشت. ولی الان هیچ کدام از اینها نیست هر سودی که هر شرکتی به نسبت سهامدارانش تقسیم می‌کند. هر چه مقدار سهامدار کمتر باشد و مقدار سودی که بیشتر باشد، نرخ بیشتری مالیاتی است و همه به جیب دولت می‌رود. آن طرف چیزی برای این انگیزه نمی‌ماند. اینها چیزی است که (ان شاء...) در جلسات بعد راجع به آنها بحث خواهیم کرد) که باید با هم دیده شود تا عدالت مالیاتی در جامعه اجرا شود. همراه با فرهنگی که عرض شد خدمتان همراه با فرهنگ مالیات بر مصرفی که خانم دکتر اشاره فرمودند، که واقعاً هم باید همان‌طور باشد و پیشنهاد دیگر هم در رابطه با نرخ مالیات که بخش تولیدی چقدر باشد و منهای ۱۰ درصد، بخش‌های خدماتی چگونه باشد، که در فرصت‌های بعدی عرض خواهیم کرد.

خانم طباطبایی: مادر ابتدای راه هر کدام شناختی نسبت به مسائل مالیاتی داشتیم ولی فکر می‌کردیم می‌شود بعضی مسائل را که مناقشه کمتری روی آن است را به سراغ آنها برویم و حل کنیم. اما در عمل دیدیم نمی‌شود اینها به هم کاملاً وابسته هستند. تا زمانی که در جهت اصلاح ساختار مالیاتی سیستمی فکر نشود.

نمی‌تواند سیستم کد اقتصادی درست پیاده شود. نمی‌توانیم ما یک جز از این سیستم را بیرون بکشیم و بگوییم بقیه کارکن و بقیه لنگ بزنند. همه جای این سیستم باید با هم دیده شود و همه با هم باید به طرف بهتر شدن و اصلاح شدن پیش بروند. ان شاء... ما بعد از این که جلسه را در مجلس برگزار کردیم. باید سراغ همان کاری که خانم دکتر خلعتبری انجام داده‌اند برویم که مطالعه محوری در زمینه مالیات بود و واقعاً یک کار بنیادی و اساسی انجام دهیم که تا حالا کمتر در زمینه مالیات انجام شده است.

**آقای یآوری:** در زمان قدیم خالکوبی متداول بود و کسانی که کمی ادعای پهلوانی داشتند. روی بدن‌شان را اشکالی خالکوبی می‌کردند. شخصی به پیش خالکوب می‌رود و تقاضا می‌کند که روی بازویش عکس شیری را خالکوبی کند، (خالکوبی هم خیلی همراه با درد است) موقعی که خالکوب کارش را شروع می‌کند، طرف خیلی دردش آمد و گفت الان کدام قسمت شیر هستی، خالکوب گفت مثلاً الان قسمت پال شیر هستم. گفت حالا پالش را برای آخر بگذار. خالکوب نقطه دیگری را شروع کرد. باز طرف دردش گرفت و گفت اینجا کجاست، خالکوب گفت دم شیر است، طرف گفت دمش را هم بگذار برای آخر. باز نقطه سوم هم به همین صورت. در آخر خالکوب گفت که این گونه که نمی‌شود شیری که تو می‌خواهی نه سر داشته باشد نه دم و نه شکم.

حالا ما اگر بخواهیم راجع به مالیات کاری کنیم باید نترسیم و واقعاً جراحی کنیم. یعنی از این که وصول مملکت افت می‌کند... هراسی را به خود راه ندهند و این کار را انجام دهند و بنده تصور می‌کنم که در وزارت دارایی جناب آقای دکتر سمعی که رئیس شورای عالی مالیاتی است و آقای خوش اخلاق که قبلاً رئیس شورای عالی مالیاتی بود و الان مشاور وزیر امور اقتصاد دارایی هستند و یکی آقای تقی‌نژاد که ایشان هم از رؤسای قبلی شورای عالی مالیاتی بودند و الان رئیس هیئت عالی انتظامی مالیاتی است و آقای حمیدی هم هستند.

**خانم طباطبایی:** غیر از این رئیس رؤسای سابق، که مهم هم نیست که اگر رئیس نباشند شما کسی را می‌شناسید معرفی کنید.

**آقای یآوری:** این افراد علی‌رغم این که رئیس بودند، افرادی هستند که قانونمدار هستند مانند مجتهدان دینی که سعی می‌کنند حرفی که می‌زنند منطبق با مسائل دینی باشد. این آقایان چنین حالتی دارند. یعنی آنها بینش خودشان را از کد اقتصادی که تا چه حد عملی است و چه باید کرد برای شما خواهند گفت.

**آقای معینی:** بیشتر هدف ما این بود که در این فرصت کوتاه یک شناخت اجمالی پیدا کنیم، ما یک تصور خیلی خام و تئوریک از مبادله داریم، که دو نفر با هم خرید و فروش می‌کنند، آقای قدس و آقای یآوری که در عمل بوده‌اند تصورشان خیلی کاربردی‌تر است و این دو را باید با هم مخلوط کرد و یک تصویر درستی از انجام مبادلات در اقتصاد ایران به دست آوریم، بنده الان خیلی خام تعریف می‌کنم اما اگر کمی روی آن کار کنیم هم برای این طرح و هم برای طرح‌های دیگر مفید خواهد بود. برای این که همان‌طور که فرمودند فردی با یک کیسه پول به محضر برود و خرید و فروش کند، این را از این نظر می‌گویم که باید مشخص شود در

کدام قسمت فرار مالیاتی صورت می‌گیرد و کجاها ممکن است از زیر بار کد اقتصادی فرار کنند و کجا می‌توانیم پیشنهادهایی را ارائه دهیم که کارآمدتر باشد.

سؤال دیگری که بنده به‌عنوان طرح بلندمدت‌تر روی آن فکر می‌کردم این که عملکرد کد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم و این کار هم با استفاده از یک سری تعریف از شاخص‌ها انجام دهیم. ما بینیم آیا اصلاً از زمانی که این کد وارد شد در مقایسه با زمانی که کد اقتصادی نبود و تفاوت معنی‌داری در مالیات‌های جمع‌آوری شده وجود دارد یا خیر. یعنی اثرات متغیرها را حذف کنیم و یک متغیر که کد اقتصادی است، بینیم در یک متغیر به‌صورت خالص چه اثری بر مالیات جمع‌آوری شده داشته است (البته ممکن است کار مشکلی باشد، اما شاید بتوان انجام داد).

مسئله دیگری که در ذهن بنده بود و مستتر یک کار بلندمدت‌تری است، هزینه‌های اجرا و فرار از کد مالیاتی است.

مسئله دیگری که باز باید روی آن کار کرد و آن را از خانم دکتر خلعتبری گرفتم، این که یک سیستم مالیاتی طراحی کنیم که خودکار عمل کند، سیستمی که از حیث فیدبک و بازخورد و ورودی‌ها و خروجی‌ها طوری باشد که به نوعی خودکار عمل کند. بنده تصور می‌کنم که در اقتصادهای غربی این‌گونه است. یعنی یک مقداری از هزینه‌ها این‌گونه پایین می‌آید.

شاید با اساتیدی که معرفی کردند ما می‌توانیم سؤال اول را کمی جواب بدهیم، یعنی بتوانیم فعلاً در کوتاه‌مدت از تجربیات آنها استفاده کنیم برای این که بینیم مبادله چگونه انجام می‌شود، نحوه‌های فرار چگونه خواهد بود.

یک جمله در تأیید صحبت‌های آقای دکتر مهرآرا و در تکمیل آن، شاید بهتر باشد که ما به نوعی با نمایندگان وارد گفتگو شویم و به آنها تفهیم کنیم که یک ارتباطی بین بحث‌های ارزشی و بحث‌های علمی وجود دارد. یعنی این‌گونه نیست که ما از اول بپذیریم که نرخ مالیات باید تصاعدی باشد، دست‌آورد مجموعه این سمینار و سخنرانی کد اقتصادی، مالیات بر مصرف، ارزش افزوده باعث شود که آنها هم اساسی‌تر فکر کنند و فرض را بر این نگذارند که محققان موظف هستید که در سیستم فعلی کارایی را زیاد کنید، چون آن موقع بار بزرگی بر دوش ماست. تحصیلات آکادمیک ما منبعث از سیستم‌هایی است که در مقایسه با سیستم ما ایده‌آل کار می‌کنند و ما خواه و ناخواه تحت تأثیر آن مطالعات هستیم و در عمل روی سیستمی مواجه هستیم که خیلی کارکرد مناسبی ندارد و یک فشار روانی زیادی روی انسان است که درس‌هایی که خوانده شده باید کجا به کار ببریم. شاید بهتر شود با آنها وارد گفتگو شویم به‌عنوان نتیجه سمینار که آنها هم باید تجدیدنظری بفرمایند.

**خانم طباطبایی:** باید این سیستم باعث شود که دریافتی دولت افزایش پیدا کند و دولت بتواند از روش‌های خودش بعداً از این دریافتی‌ها با یک یارانه‌هایی و کمک‌هایی در جهت باز توزیعی عمل کند نه این که لزوماً از همان ابتدا این عمل شود.

**خانم دکتر موسوی:** بنده چند نکته را یادداشت کردم، ما باید نسخه‌ای هم بیچیم که این مریض بدحال در همین شرایط به هر حال قدم‌هایی روبه‌بهبودی بگذارد. اما این مریض جراحی لازم دارد، یعنی مانند یک

غده سرطانی. حالا اگر این مریض بگوید جراحی نکن اما غده من را هم درمان کن که نمی شود. من باید با یک ترنندهایی و صحبت هایی و نشان دادن چند عکس و مدارکی و اسنادی به او بفهمانم که باید جراحی شود. اینجا هم باید اینها تا جایی که ممکن است هدایت شوند و روشن شوند. به نظر ما راه خیلی سختی هم نداریم. یعنی با توجه به این مجموعه ای که آنجا می بریم که صحبت کنیم، یک مقداری نسخه را در دست داریم، حالا نیازی هم نیست که این نسخه ای است که از امریکا یا دیگر کشورها آوردیم. این مسئله خود تشخیصی، یا مسئله مطرح کردن همه مالیات های عمومی به مصرف نقطه خوبی است و با بحث های توضیحی هم منافات ندارد. یعنی وقتی شما مالیات عمومی به مصرف می گذارید نمی گوئیم بگذار بر شیر. کما این که خودشان شیر را چند درصد گران کردند؟ مگر این آثار توزیعی نداشته است؟ حالا ما نمی گوئیم بر شیر بگذار ولی فرض کنید به پوشاک های نوع خاصی بگذار. خوب من و شما و قشر غیر مرفه نیست که آن پوشاک را مصرف می کند. یا مسئله خود تشخیصی. اصلاً من و شما یا قشر غیر مرفه در این دام نمی افتند و مسئله ندارند، همان شرکت هایی که اینها نگران درآمدهای آنها هستند. یعنی راه کار را هم نشان می دهید. نکته دیگر این که در مورد کد اقتصادی اندونزی که الگو قرار داده اند، بنده سال گذشته در مورد اندونزی مطالعه داشتم. البته نه در مورد کد اقتصادی بلکه، مجموعه اقتصاد این کشور را مطالعه می کردم. در اندونزی یک مجموعه اصلاحاتی صورت گرفته. یعنی ما اگر می بینیم جزء کشورهایی است که جهش داشته و جزء کشورهایی است که عنوان می شود خودش را از درآمدهای نفتی کنده و موفق بوده و قدم هایی را برداشته. این کشور مجموعه ای را دنبال کرده است (همان بحثی که دکتر مهرآرا می فرمایند) ما نمی توانیم اینها را جدا از هم داشته باشیم.

اولاً، اندونزی از لحاظ فرهنگی و تاریخی شرایط متفاوت از ما دارد، ثانیاً یک مجموعه را شروع کرده است و یک پکیج تعدیل ساختاری را انجام داده است و نکته آخر سؤال برای بنده پیش آمده که در واقع این سؤال برای آن مجموعه ای که می خواهیم آنجا برویم، خودمان حداقل بدانیم که چه کار می کنیم و چه هدفی را دنبال می کنیم. برای این که سؤال را مطرح کنم، می خواهم یک دوره ای داشته باشم. هدف ما از این مجموعه و خواسته ایم که جلسه ای را در مجلس بگذاریم چیست؟ تا جایی که در ذهن بنده است این که ما به دنبال تغییر اساسی برای ساختارمان بودیم. ولی بحث کردیم که اگر این را الان ببریم، که تو باید جراحی شوی آن هم در سطح زیادی، ممکن است که عقب نشینی کند و ما را کاملاً پس بزند. گفتیم قدم به قدم جلو برویم، قدم های اصلاحی را مطرح کنیم. در این قدم ها اصلاحاتی کنیم که این وضع موجود، مشکلات و نارسایی های ماست، این چند راه کارها هم، مانند مسئله خود تشخیصی و غیره وجود دارد.

در مورد کد اقتصادی بنده به این مجموعه ای که الان گوش کردم متوجه نشدم که بالاخره شما گزارش خود را با چه هدفی تنظیم می کنید و به آنجا می برید؟ الان شما یک سری اطلاعات مفید جمع آوری کرده اید که خیلی از آنها مطلع نیستند که از این طریق آنها هم اطلاع حاصل می کنند. یک سری نقاط ضعف دارد و متوجه شدید که سیستم های دیگر پله پله رفته اند تا به اینجا رسیده اند و ما می خواهیم ببریم و از آن به بقیه مسائل می خواهیم برسیم. اما شما چطور و با چه هدفی می خواهید در آنجا ارائه دهید آیا بحث هایی که بنده داشتم از جمله انسجام را در نظر دارید؟

خانم طباطبایی: بنده راجع به کد اقتصادی توضیح بدهم و این که چرا از اول ما قصد نشان دادن نقاط ضعف

کد اقتصادی را داشتیم بیان کنیم. یعنی ما در روش اجرایی که یکی روش خودتشخیصی و یکی کد اقتصادی است منتهی خودتشخیصی را به عنوان یک سیستم و روش خوب عنوان کنیم و بیان نماییم فقط ایراداتی که در راه آن است برداشته شود، خیلی مفید است. کد اقتصادی فعلی را از اول می دانستیم که دارای ایراد است. یعنی از افرادی که در وزارت دارایی بودند، شنیده بودیم که ایراد دارد و خواستیم نقاط ضعف آن را در جلسه مجلس ارائه کنیم و دقیقاً هم با سیستمی که پیش رفته ایرادات مشخص می شود.

منتهی زیبایی قضیه در اینجاست که مطرح می شود، خیلی از روش های اجرایی مستلزم آن است که ساختار مالیاتی با یک برنامه ریزی مشخص، اصلاح شود، یعنی تا قدم به قدم پیش نیاید خیلی از روش های اجرایی کار ساز نیست و همان جاست که این قضیه لینک می شود با مسئله مالیات که این که ما سعی کنیم سیستم مالیات بر مصرف را هر چه زودتر در کشور پیاده کنیم و این لینک شدن را ما به زیبایی می توانیم در آن جلسه ایجاد کنیم.

**آقای لامعی:** بنده فقط یک نکته را اضافه کنم، چیزی که ما ارائه می دهیم در اینجا، به این شکل است که بگوییم کد اقتصادی ابزاری است که در کنار مجموعه کل ساختار مالیاتی، چون کد اقتصادی چه کمکی به ما می کند؟ یک سری اطلاعات را در پرونده مالیاتی جمع می کند و بقیه کارهای مالیاتی طبق همان ساختار مالیاتی صورت می گیرد. ممیز براساس نرخ مالیاتی خودش و شرکت هم براساس آن پرداخت می کند. یعنی فقط نقش کد اقتصادی در اینجا جمع آوری اطلاعات در اختیار ممیز مالیاتی است، در اختیار وزارت دارایی. یعنی کل سیستم مانند سابق عمل می کند و نرخ ها متعدد است و کد اقتصادی جهت اصلاح این مسائل گامی بر نمی دارد. بلکه ابزاری است در جهت جمع آوری اطلاعات که قبلاً جمع آوری نمی شد. مثلاً شرکتی که مراجعه می کرد اطلاعات در پرونده اش موجود است و نمی تواند دروغ بگوید.

**خانم طباطبایی:** به هر حال ما این کد را برای چه قرار دادیم، برای این که فرار مالیاتی کمتر شود، ما که نمی خواهیم این اطلاعات را بدون حاصل جمع کنیم. قصد این بود که فرار مالیاتی کم شود بتواند به بهترین نحو و تا حد امکان، دریافتی های مالیاتی دولت با این روش افزایش پیدا کند. منتهی می خواهیم بگوییم تا زمانی که در آن سیستم چاله های اساسی و نقاط کور سیستم و مسائل اساسی سیستم دیده نشود، ما نمی توانیم با جمع آوری صرف این اطلاعات از طریق کد اقتصادی به هدف اصلی برسیم.

**آقای لامعی:** بنده فقط می توانم اضافه کنم که گزارش ما به این سمت می رود که بعد از معرفی نقاط ضعف و سیستم کد اقتصادی در صورتی این قابل اجراست که روی این ساختار اجرا شود، نه خودش به تنهایی اصلاح کننده سیستم باشد.

**آقای معینی:** هدف ما این بود که با آقای لامعی مباحثه ای روی این مسئله صورت بدهیم و مجموعه سؤالاتی هم که مطرح می شود به آقای یزدی زاده بدهیم و از ایشان هم قول گرفتیم که صحبت های شما را پیاده می کنیم و کار می کنیم و در واقع سؤالاتی هم که پیش می آید به ایشان بدهیم تا جواب دهند.

خانم طباطبایی: ما از یک مدیر اجرایی وزارت دارایی به عنوان یک نقطه شروع استفاده کردیم و دیگر لازم نیست که این سؤالات با ایشان مطرح شود چون قطعاً ایشان نمی‌توانند از آن دیدگاه و جنبه‌ای که ما به قضیه نگاه می‌کنیم به این مسئله نگاه کنند. چون خودشان درجایی قرار گرفته‌اند که اگر ما همه در آنجا بودیم، این کار را نمی‌کردیم و ممکن است هر کدام از ما در جایی که کار می‌کنیم مایل نباشیم، که اشکالات آنجا را دیگر قسمت‌ها متوجه شوند، بنابراین اگر قول داده شده که دیداری صورت بگیرد، باید خیلی محدود باشد و جهت فکری شما باید مستقل باشد؛ چون ما از تمام قسمت‌ها مستقل هستیم و هیچ ترس و واژه‌ای از این که ایرادات را بشکافیم و روشن کنیم نداریم و اگر عزیزان صحبت دیگری ندارند ختم جلسه را با تشکر از شما اعلام می‌کنیم.